بسمه تعالی

**موضوع**: عدل قرائت حمد در رکعتین أخیرتین /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[عدل سورۀ حمد در رکعت سوم و چهارم 1](#_Toc126127058)

[قول اول: کفایت مطلق ذکر الله 2](#_Toc126127059)

[فرمایش محقق خویی رحمه الله 3](#_Toc126127060)

[مناقشه آیت الله سیستانی بر کلام محقق خویی 4](#_Toc126127061)

[بررسی فرمایش آیت الله سیستانی دام ظله 5](#_Toc126127062)

[قول دوم: لزوم سه بار خواندن تسبیحات اربعه 6](#_Toc126127063)

[بررسی ادله قول دوم 7](#_Toc126127064)

[قول سوم: لزوم یک مرتبه خواندن تسبیحات اربعه 8](#_Toc126127065)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته روایات دال بر افضلیت تسبیحات اربعه تفصیلا مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه به چیستی عدل سورۀ حمد در رکعتین أخیرتین پرداخته می شود که چندین قول در کلمات فقهاء مطرح شده است.

# عدل سورۀ حمد در رکعت سوم و چهارم

سید می فرماید:

« في الركعة الثالثة من المغرب و الأخيرتين من الظهرين و العشاء يتخير بين قراءة الحمد أو التسبيحات الأربعة و هي سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر و الأقوى إجزاء المرة و الأحوط الثلاث و الأولى إضافة الاستغفار إليها و لو بأن يقول اللهم اغفر لي و من لا يستطيع يأتي بالممكن منها و إلا أتى بالذكر المطلق و إن كان قادرا على قراءة الحمد تعينت حينئذ‌»[[1]](#footnote-1)

بحث در چیستی عدل سورۀ حمد در رکعت سوم و چهارم بود. مشهور متأخرین معتقدند که اگر یک بار تسبیحات اربعه خوانده شود کفایت می کند. احتیاط مستحب نیز این است که شخص استغفار نیز انجام دهد. اما با مراجعه به کلمات فقهاء اقوال زیادی در مسئله دیده می شود.

## قول اول: کفایت مطلق ذکر الله

قول اول کفایت مطلق ذکر الله است. محقق حلی در کتاب معتبر بعد از بیان روایات، به روایت علی بن حنظلۀ می پردازد که تعبیر آن چنین است:

« سَعْدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مَا أَصْنَعُ فِيهِمَا فَقَالَ إِنْ شِئْتَ فَاقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ- وَ إِنْ شِئْتَ فَاذْكُرِ اللَّهَ فَهُوَ سَوَاءٌ قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ هُمَا وَ اللَّهِ سَوَاءٌ إِنْ شِئْتَ سَبَّحْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَرَأْتَ»[[2]](#footnote-2)

سپس می فرماید:

«و الوجه عندي القول بالجواز في الكل إذ لا ترجيح و ان كانت الرواية الأولى أولى، و ما ذكره في النهاية أحوط لكن ليس بلازم»[[3]](#footnote-3)

تمام روایات را از منظر ایشان می توان عمل کرد؛ از جمله این روایت که «فاذکرالله» را مطرح کرده است[[4]](#footnote-4).

در ذکری بعد از نقل روایت علی بن حنظلفه می فرماید:

« ومال صاحب البشرى جمال الدين ابن طاوُس العلوي رحمه الله إلى إجزاء الجميع؛ لعدم الترجيح، وأورد على نفسه التخيير بين الوجود والعدم، وهو غير معهودٍ. وأجاب بالتزامه كالمسافر في مواضع التخيير»[[5]](#footnote-5)

یعنی سید بن طاووس نیز مطلق ذکر الله را کافی می دانسته اند. مرحوم علامه مجلسی فرموده اند:

« أقول و الذي يظهر لي من مجموع الأخبار جواز الاكتفاء بمطلق الذكر ثم الأفضل اختيار التسع لأنه أكثر و أصح أخبارا و هو مختار قدماء المحدثين الآنسين بالأخبار المطلعين على الأسرار كحريز و الصدوق قدس الله روحهما ثم الأربع مرة واحده»[[6]](#footnote-6)

محقق سبزواری در ذخیرۀ المعاد می نویسند:

« و هل يجزي مطلق الذكر يحتمل ذلك لإطلاق رواية عليّ‌ بن حنظلة»[[7]](#footnote-7)

پس عمده دلیل این بزرگواران برای کفایت مطلق ذکر، روایت علی بن حنظلۀ است. ولی انصافا ظهور در این روایت منعقد نمی شود؛ چرا که ذیل آن آمده است: «هما والله سواء إن سئت سبحت و إن شئت قرأت» با وجود این جمله که در ذیل روایت آمده است، عرف دیگر استظهار نمی کند که جمله «إن شئت فاذکر الله» بیانگر مطلق ذکر باشد، شاید مراد همین تسبیح باشد.

**سوال**: این مطلب را نمی شود قرینه منفصله حساب کرد زیرا سوال و جواب اول تمام شده است.

**جواب**: قرینه می شود؛ زیرا شاید راوی در کلام امام علیه السلام پریده باشد. معلوم نیست. وقتی ذیل همین روایت آمده است، لاأقل عرف به خاطر احتمالی که به ذهنش می زند، به مطلق ذکر اکتفاء نمی کند. اینطور نیست که مطلب قبلی کاملا تمام شده باشد. شاید اگر راوی در کلام امام نمی پرید، امام تخییر بین تسبیح و قرائت را مطرح می کردند.

در صحیحه عبید چنین آمده است: « تُسَبِّحُ وَ تُحَمِّدُ اللَّهَ وَ تَسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَ إِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَ دُعَاءٌ»[[8]](#footnote-8)

در این روایت مطلق ذکر نیست بلکه خصوص تحمید و دعاء است.

### فرمایش محقق خویی رحمه الله

محقق خویی فرموده اند: ملتزم به این روایت می شویم، سایر روایات که صحیح السند هستند انتخاب می کنیم، مثلا صحیحه زرارۀ که در من لایحضره الفقیه نقل شده است آمده است: «یکررها ثلاث مرات» سه بار تسبیحات اربعه گفته شود. سپس تعبیر «ثم تکبر و ترکع» آمده است که تکبیرۀ الرکوع است. محقق خویی فرموده اند: پس این صحیحه زرارۀ نه تسبیح را بیان می کند. صحیحه دیگر زرارۀ (به تعبیر خود محقق خویی صحیحه است ولی در سند آن محمد بن اسماعیل نیشابوری بندقی است که توثیق خاص ندارد؛ لذا آیت الله سیستانی به سند آن اشکال می کنند) آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع مَا يُجْزِئُ مِنَ الْقَوْلِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ قَالَ أَنْ تَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ تُكَبِّرُ وَ تَرْكَعُ»[[9]](#footnote-9)

این روایت بیانگر یک بار تسبیحات اربعه است که جدا می نویسیم. کیفیت سوم تسبیحات صحیحه حلبی است:

« سَعْدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قُمْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ لَا تَقْرَأْ فِيهِمَا فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»[[10]](#footnote-10)

کیفیت چهارم تسبیحات از صحیحه دیگر زرارۀ استفاده می شود:

« وَ فَوَّضَ إِلَى مُحَمَّدٍ ص فَزَادَ النَّبِيُّ ص فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ وَ هِيَ سُنَّةٌ لَيْسَ فِيهَا قِرَاءَةٌ إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ دُعَاء»[[11]](#footnote-11)

اختیار با خودمان است که کلامی بگوییم که در آن تهلیل و تکبیر و غیره باشد. کیفیت پنجم نیز در صحیحه عبید بن زرارۀ مطرح شده است: : « تُسَبِّحُ وَ تُحَمِّدُ اللَّهَ وَ تَسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَ إِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَ دُعَاءٌ»[[12]](#footnote-12)

محقق خویی می فرماید: این کیفیت پنجم خیلی راهگشا است. طبق این روایت شخص می تواند حمد بگوید و هرچه خواست دعا کند. بنابراین پنج کیفیت از روایت استفاده می شود که جایز است. کیفیت پنجم کلی است،تحمید و دعاء است. اما نباید الغاء خصوصیات مورد اختلاف روایات را کرد و اجزاء مطلق ذکر را استفاده کرد. به صرف اینکه خصوصیات در روایات اختلاف داشته باشند، نمی توان خصوصیات را کلا کنار گذاشت، فوقش این است که حمل بر وجوب تخییری شوند، اما کنار گذاشتن آن ها جایز نیست. اگر مولا بگوید اگر خواستید زید را با عمرو دعوت کنید، یا بگوید اگر خواستید زید را با بکر دعوت کنید، عقلاء قبول نمی کنند که ما هیچ کسی را با زید دعوت نکنیم و موارد را الغاء کنیم. فوقش این است که تخییر بین موارد منصوصه گفته شود[[13]](#footnote-13).

### مناقشه آیت الله سیستانی بر کلام محقق خویی

فرمایش محقق خویی فنی است. آیت الله سیستانی فرمایش محقق خویی را قبول ندارند با این بیان که اجزاء مطلق تحمید و دعاء را هیچ کسی قائل نشده است. تعبیر «فإنها تحمید و دعا» تقریب به ذهن است بدین بیان که استیحاش نکنید که سورۀ حمد کافی باشد، سوره حمد چیزی کم ندارد. ظهور در این ندارد که هر تحمید و دعایی مجزی باشد. اینکه شخص بگوید تحمید و خواندن هر دعایی جایز است، اشکال دارد. ظهور عرفی با آن سازگار نیست؛ زیرا خلاف مرتکز نیز می باشد. بنابراین این مقدار فرمایش آیت الله سیستانی را قبول داریم که «فإنها تحمید و دعا» شاید برای نفی استبعاد باشد، نه برای اینکه بخواهد کبرای کفایت مطلق تحمید و دعا را بگوید. وقتی احتمال این مطلب داده شود کافی است برای اینکه مانع از استدلال شود. دیگر نمی توان انعقاد ظهور اطلاقی را در «فإنها تحمید و دعاء» احراز کرد. امام شاید می خواهند بفرمایند که سورۀ حمد را دست کم نگیرید. اینکه هر تحمید و دعایی کافی باشد را نمی رساند و احراز انعقاد ظهور نمی کنیم. اینکه محقق خویی می فرماید یا تحمید و دعاء و یا یکی از آن چهار کیفیتی که در روایت صحیحه آمده است را بخوانیم، صحیح نیست. به نظر ما تحمید و دعاء هر طوری که خواستیم بخوانیم، عرفی نیست.

سوال: شاید این روایات دال بر این باشد که همه ی این ذکر ها را تسبیح می دانستند.

جواب: یک قولی که کفایت مطلق تسبیح و دعاء است، نه در عامه بوده و نه در خاصه بوده است، توسط محقق حلی مطرح شده، تازه ایشان هم در شرایع نگفته است بلکه در معتبر بحث می کند و می فرماید آنچه این روایات گفته اند همه جایز است، توضیح هم نداده که از روایت علی بن حنظلۀ مطلق ذکر فهمیده یا اینکه مطلق نفهمیده است. ایشان در معتبر تحمید و دعاء را نیز مطرح نکرده اند، تا رسیده به محقق خویی، ایشان از تحمید و دعاء مطلق تحمید و دعاء را فهمیده است، واقعا احراز می کنیم که ظهور تصدیقی احراز شده باشد؟ واقعا امکان دارد ارتکاز متشرعه اباء از این فهم اطلاق داشته باشد. اگر کسی شروع کند دعاکردن برای خود، اللهم زوجنی من الحور العین، در رکعات خود اینطور نماز بخواند، در ارتکاز متشرعه این مطالب نبوده است. روایت علی بن حنظلۀ مجمل است، اول گفته است که ذکر الله بگویید، سپس گفته است که مخیر بین تسبیح و قرائت هستید، مجمل می شود. بنابراین این فرمایش محقق خویی که کیفیت پنجم را مطلق تحمید و دعاء دانسته اند مورد قبول نیست، همانطور که آیت الله سیستانی نیز قبول نکرده اند.

### بررسی فرمایش آیت الله سیستانی دام ظله

آیت الله سیستانی در ادامه فرموده اند مطلق تسبیح، ولو یک سبحان الله باشد کفایت می کند؛ زیرا اطلاقاتی با تعبیر «سبح» وجود داشت و هیچ روایتی که ظهور در وجوب تعیینی کیفیت خاصه از تسبیح باشد، وجود نداشت. این روایات در مقام بیان مصادیق تسبیح اند و فرد افضل تسبیح را گفته اند و شاهد آن اختلاف زیاد در کیفیات تسبیح است و اساسا مقام، مقام افتاء بوده است. وقتی سائل سوال کرده اند و امام فرموده اند: إن شئت فسبح، عرفی نیست که بگوید در مقام دیگری مقید آن را بیان کرده ام. امام علیه السلام در مقام بیان وظیفه فعلیه مخاطب بوده اند، اینطور نبوده که کبرای کلی را بیان کنند و تقییدات را در جلسات دیگر بیان کنند. اگر اینطورباشد، تأخیر بیان از وقت حاجت نسبت به این سائل می شود؛ لذا آیت الله سیستانی هم به اختلاف کیفیات تسبیح تکیه می کند و هم اینکه می فرمایند این ها ظهور در وجوب تعیینی ندارند و بیان مصداق تسبیح کرده اند؛ لذا اطلاق «سبح» مقتضی کفایت یک سبحان الله است. خیلی راحت می شود، کسانی که قرائت ملحونه دارند، می توانند به جای حمد یک سبحان الله بگویند، در رکعت سوم و چهارم هم که یک سبحان الله را کافی می دانند.

به نظرما:

اولا تعبیر «ان شئت فسبح» شاید عنوان مشیر است. این تعبیر در مقابل قرائت فاتحۀ الکتاب است، یعنی اگر می خواهید فاتحۀ بخوانید، بخوانید، اگر می خواهید تسبیح بگویید یعنی همان تسبیح معهود و متعارف را بخوانید. پس نباید به اطلاق تمسک کرد. ما نمی گوییم که ظهور در تسبیح متعارف دارد، می گوییم اینکه آیت الله سیستانی می فرمایند «سبح» اگر قرار بود کفایت نکند، مردم اغراء به جهل می شدندو می رفتند و عمل می کردند، درست نیست؛ زیرا شاید این تعبیر اسم برای تسبیح متعارفه باشد، اینکه ایشان به اطلاق «فسبح» تمسک می کنند اشکال داریم، نه اینکه بخواهیم بگوییم حتما مشیر به همان تسبیحات متعارفه است.

ثانیا: اینکه ایشان فرمود که کیفیات مذکوره در روایات چون اختلاف دارند، استحباب را می رسانند، به نظر ما دلیلی ندارد. چرا باید مستحب باشند؟ به یک نفر گفته اند سه مرتبه تسبیحات اربعه بگویید، در حدیث دیگری فرموده اند یک بار تسبیحات اربعه بگویید، در صحیحه دیگری فرموده اند: سبحان الله و الحمدلله و الله اکبر بگویید کفایت می کند. چرا بگوییم که این ها خصوصیت ندارند؟ ظهور این تعابیر در واجب تعیینی است، اما به دلیل اختلاف حمل بر واجب تخییری می کنیم. دلیلی ندارد که حمل بر استحباب کنیم. عرفی نیز می باشد مثل اینکه شارع بگوید زید را با بکر اکرام کنید، در یک خطاب دیگر بگوید زید را با علی اکرام کنید، اینطور نیست که انسان فقط زید را اکرام کنید و دیگری را بیندازد، بلکه به صورت تخییری زید را با یکی از این دو نفر اکرام می کند.

محصل این بحث با این دیدگاه که ما معتقدیم نمی توان به کفایت مطلق تسبیح ملتزم شد (زیرا فسبح اطلاق ندارد) و این روایاتی که کیفیت تسبیحات را می گوید، گرچه با هم اختلاف دارند ولی به قول محقق خویی چرا از ظهور آن در وجوب خصوصیات ولو به نحو تخییر رفع ید کنیم؟ اینکه حمل کنیم بر اینکه خصوصیات رها شوند و فقط سبحان الله گفته شود، خلاف ظاهر است.

## قول دوم: لزوم سه بار خواندن تسبیحات اربعه

حال با این دید به سراغ اقوال مطرح شده در مسئله می رویم:

قول اول قول به کفایت مطلق ذکر بود که قائل آن محقق در معتبر، علامه مجلسی در بحار، مرحوم ابن طاوس و صاحب ذخیرۀ المعاد تمایل به این قول دارند ولی صحیح نیست.

قول دیگر کلام برخی از بزرگان مانند شیخ در نهایه و الإقتصاد است که لزوم سه بار خواندن تسبیحات اربعه را مطرح کرده اند. در نهایه می فرماید:

« و الرّكعتان الأخراوان من الفرائض يقتصر فيهما على الحمد وحدها أو ثلاث تسبيحات، يقول: «سبحان اللّه، و الحمد للّه، و لا إله إلا اللّه، و اللّه أكبر» ثلاث مرّات، أيّ‌ ذلك شاء، فعل مخيّرا له فيه»[[14]](#footnote-14)

در مختلف نیز از ابن ابی عقیل نقل می کند.

### بررسی ادله قول دوم

أدله این قول عبارتند از:

1. روایت فقه الرضا: «وَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الأخروين [الْأُخْرَاوَيْنِ‏] الْحَمْدَ وَحْدَهُ وَ إِلَّا فَسَبِّحْ فِيهِمَا ثَلَاثاً ثَلَاثاً تَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ تَقُولُهَا فِي كُلِّ رَكْعَةٍ مِنْهُمَا ثَلَاثَ مَرَّات‏»[[15]](#footnote-15)
2. روایت رجاء بن أبی ضحاک: «وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ تَمِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُرَشِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ أَنَّهُ صَحِبَ الرِّضَا ع مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرْوَ- فَكَانَ يُسَبِّحُ فِي الْأُخْرَاوَيْنِ يَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَرْكَعُ»[[16]](#footnote-16)

روایت فقه الرضا اعتباری ندارد؛ زیرا به قول محقق خویی معلوم نیست کتاب حدیث باشد. شاید تألیف شلمغانی یا شخص دیگری باشد. روایت دوم نیز حکایت فعل است. امام رضا علیه السلام أقل واجبات را انجام نداده اند شاید مستحب را انجام داده اند. علاوه بر اینکه دارای ضعف سند است. مرحوم مجلسی در بحار می نویسد:

« بيان: في بعض النسخ زيد في آخرها و الله أكبر و الموجود في النسخ القديمة المصححة كما نقلنا بدون التكبير و الظاهر أن الزيادة من النساخ تبعا للمشهور»[[17]](#footnote-17)

می فرماید در نسخ قدیمه «والله اکبر» وجود ندارد. برخی از نساخ به خاطر اینکه در کتاب نهایه تعبیر «والله اکبر» آمده و در فقه شیعه نیز این کتاب رواج داشت، اضافه کرده اند.

1. روایتی است که در سرائر نقل شده است. صحیحه زرارۀ که در من لایحضره الفقیه نقل شده است در سرائر چنین نقل شده است:

« حريز بن عبد اللَّه السجستاني في كتابه، و هو حريز بالحاء غير المعجمة و الراء غير المعجمة و الزاي المعجمة، و هو من جملة أصحابنا، و كتابه معتمد عندهم، قال فيه: و قال زرارة: قال أبو جعفر عليه السّلام: لا يقرأ في الركعتين الآخرتين من الأربع ركعات المفروضات شيئا، إماما كنت أو غير إمام، قلت: فما أقول فيهما، قال: إن كنت إماما فقل: سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا إله إلا اللَّه و اللَّه أكبر. ثلاث مرات، ثم تكبّر و تركع، و إن كنت خلف إمام، فلا تقرأ شيئا في الأوليين، و أنصت لقراءته و لا تقولن شيئا في الآخرتين‏»[[18]](#footnote-18)

اولا: خود ابن ادریس در مستطرفات تعبیر «والله اکبر» را نیاورده است[[19]](#footnote-19).

ثانیا: کتاب من لایحضره الفقیه که این روایت را نقل می کند صریحا می گوید «تکمله تسع تسبیحات» همین صحیحه زرارۀ را نقل می کند:

« وَ رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تَقْرَأَنَّ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الْأَرْبَعِ الرَّكَعَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ شَيْئاً إِمَاماً كُنْتَ أَوْ غَيْرَ إِمَامٍ قَالَ قُلْتُ فَمَا أَقُولُ فِيهَا قَالَ إِنْ كُنْتَ إِمَاماً أَوْ وَحْدَكَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تُكَمِّلُهُ تِسْعَ تَسْبِيحَاتٍ ثُمَّ تُكَبِّرُ وَ تَرْكَعُ»[[20]](#footnote-20)

تصریح می کند که 9 تسبیح است. معلوم می شود که ابن ادریس اشتباه کرده است، اگر هم احتمال دهیم که روایت دیگری است و سند سرائر درست شود، فوقش روایت من لایحضره الفقیه قرینه می شود بر اینکه آن دوازده تسبیح مستحب است؛ چون صحیحه زرارۀ در من لایحضره الفقیه و خود مستطرفات که از کتاب حریز نقل می کند نُه تسبیح را مطرح کرده است.

## قول سوم: لزوم یک مرتبه خواندن تسبیحات اربعه

نظریه سوم لزوم یک مرتبه خواندن تسبیحات اربعه است. این نظریه در مقنعه شیخ مفید مطرح شده است:

« و في الثالثة من المغرب بدلا من قراءة الحمد أجزأه ذلك و التسبيح فيها أن سبح بعشر تسبيحات يقول سُبْحَانَ‌ اللَّهِ‌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ‌ وَ لاَ إِلَهَ‌ إِلاَّ اللَّهُ‌ . - ثم يعيدها ثانية و ثالثة و يقول في آخر التسبيح الثالث وَ اللَّهُ‌ أَكْبَرُ . - و يركع بها و إن سبح أربع تسبيحات في كل ركعة منها فقال سُبْحَانَ‌ اللَّهِ‌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ‌ وَ لاَ إِلَهَ‌ إِلاَّ اللَّهُ‌ وَ اللَّهُ‌ أَكْبَرُ . أجزأه ذلك ثم يركع بالتكبير»[[21]](#footnote-21)

این نظریه منسوب به مشهور است. دلیل این قول روایت محمد بن اسماعیل از فضل بن شاذان از حماد بن عیسی از زرارۀ است:

« مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع مَا يُجْزِئُ مِنَ الْقَوْلِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ قَالَ أَنْ تَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ تُكَبِّرُ وَ تَرْكَعُ»[[22]](#footnote-22)

روایت محمد بن عمران نیز می گفت که پیامبر یک بار تسبیحات اربعه گفته است[[23]](#footnote-23). محقق خویی می فرماید من به عنوان یک عدل واجب قبول دارم، ولی آیت الله سیستانی می فرماید من اصلا عدل واجب نمی دانم. آنچه واجب است سبحان الله است و بقیه اش مستحب است. در جلسه اینده به بررسی این قول و أدله آن پرداخته می شود.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص658.](http://lib.eshia.ir/10028/1/658/الثالثه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص98.](http://lib.eshia.ir/10083/2/98/قال) [↑](#footnote-ref-2)
3. . المعتبر في شرح المختصر، جلد: ۲، صفحه: ۱۹۰. [↑](#footnote-ref-3)
4. . معتبر ج 2 ص 188. [↑](#footnote-ref-4)
5. . موسوعة الشهید الأول، جلد: ۷، صفحه: ۲۴۳. [↑](#footnote-ref-5)
6. [بحار الانوار، محمّد باقر المجلسی (العلامة المجلسی)، ج82، ص89.](http://lib.eshia.ir/71860/82/89/مختار) [↑](#footnote-ref-6)
7. . ذخیرة المعاد في شرح الإرشاد، جلد: ۲، صفحه: ۲۷۰. [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص98.](http://lib.eshia.ir/10083/2/98/الظهر) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص319.](http://lib.eshia.ir/11005/3/319/ترکع) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص99.](http://lib.eshia.ir/10083/2/99/قمت) [↑](#footnote-ref-10)
11. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص273.](http://lib.eshia.ir/11005/3/273/فوض) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص98.](http://lib.eshia.ir/10083/2/98/الظهر) [↑](#footnote-ref-12)
13. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص459.](http://lib.eshia.ir/71334/14/459/التسبیح) [↑](#footnote-ref-13)
14. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج1، ص76.](http://lib.eshia.ir/10054/1/76/الله) [↑](#footnote-ref-14)
15. . فقه الرضا، ص 105. [↑](#footnote-ref-15)
16. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص110، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/110/الله) [↑](#footnote-ref-16)
17. [بحار الانوار، محمّد باقر المجلسی (العلامة المجلسی)، ج82، ص88.](http://lib.eshia.ir/71860/82/88/النساخ) [↑](#footnote-ref-17)
18. . السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات)، ج‏1، ص: 219. [↑](#footnote-ref-18)
19. . مستطرفات السرائر، ج 3 ص 585. [↑](#footnote-ref-19)
20. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص392.](http://lib.eshia.ir/11021/1/392/تسع) [↑](#footnote-ref-20)
21. [المقنعه، شیخ مفید، ج1، ص113.](http://lib.eshia.ir/15114/1/113/یرکع) [↑](#footnote-ref-21)
22. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص319.](http://lib.eshia.ir/11005/3/319/یجزی) [↑](#footnote-ref-22)
23. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص309.](http://lib.eshia.ir/11021/1/309/ذکر%20ما) «وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ: لِأَيِّ عِلَّةٍ يُجْهَرُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ وَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ سَائِرُ الصَّلَوَاتِ الظُّهْرُ وَ الْعَصْرُ لَا يُجْهَرُ فِيهِمَا وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ صَارَ التَّسْبِيحُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ أَفْضَلَ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَالَ لِأَنَّ النَّبِيَّ ص لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ كَانَ أَوَّلَ صَلَاةٍ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ الظُّهْرُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَضَافَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةَ تُصَلِّي خَلْفَهُ وَ أَمَرَ نَبِيَّهُ ع أَنْ يَجْهَرَ بِالْقِرَاءَةِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَضْلَهُ ثُمَّ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْعَصْرَ وَ لَمْ يُضِفْ إِلَيْهِ أَحَداً مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ أَمَرَهُ أَنْ يُخْفِيَ الْقِرَاءَةَ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ وَرَاءَهُ أَحَدٌ ثُمَّ فَرَضَ عَلَيْهِ الْمَغْرِبَ وَ أَضَافَ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةَ وَ أَمَرَهُ بِالْإِجْهَارِ وَ كَذَلِكَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ فَلَمَّا كَانَ قُرْبَ الْفَجْرِ نَزَلَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ الْفَجْرَ وَ أَمَرَهُ بِالْإِجْهَارِ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ فَضْلَهُ كَمَا بَيَّنَ لِلْمَلَائِكَةِ فَلِهَذِهِ الْعِلَّةِ يُجْهَرُ فِيهَا وَ صَارَ التَّسْبِيحُ أَفْضَلَ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ لِأَنَّ النَّبِيَّ ص لَمَّا كَانَ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ ذَكَرَ مَا رَأَى مِنْ عَظَمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَدَهِشَ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَلِذَلِكَ صَارَ التَّسْبِيحُ أَفْضَلَ مِنَ الْقِرَاءَةِ» [↑](#footnote-ref-23)